

An Analysis of the Discourse of the Soft Power of Teaching Persian Language and Literature in the Strategy of Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran

Soheila Rezaie Mehr

Corresponding Author, PhD Student in Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. rezai_soheyla@yahoo.com

Abbasali Vafaei

Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. a_a_vafaie@yahoo.com

Dawod Esparham

Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. d_sparham@yahoo.com

Abstract

Discourse analysis is an interdisciplinary approach that can be explained in the fields of linguistics, political science, cultural relations, international relations, soft power, and etc. This approach includes two different attitudes: the first one specifically deals with linguistics and intralingual studies; and the second one, which is the focus of this study, examines the extra-linguistic factors including culture and cultural geography. Through soft power towards implementing the policy of cultural induction, language and literature become the means of hidden power relations because each country tries to pursue its own cultural interests through specific policies of cultural influence on the culture of the target country and its cultural transformation. Furthermore, one of the most important cultural policies to influence other cultures is teaching language and literature and this goal is achieved in two ways. In the first way, the relation between the transcendent culture (domineering) and the audience of the sublime culture (domineered, obedient) is usually made by the preachers and introducers of the former through preaching and explaining that culture along with its intellectual

and cultural attractions. In the second way, the linguistic domination and cultural influence are created and strengthened through teaching language and literature in different levels, depths, and to a wide target audience; accordingly, cultural diplomacy is achieved through the soft power of teaching language and literature. Using a documentary method and a descriptive-analytical approach, this research seeks to answer the basic questions of how the soft power of Persian language teaching is analyzed and, consequently, where Persian literature stands in the strategic relations of cultural diplomacy, and how it is evaluated.

One of the most important achievements of this research can be the impact of teaching Persian language and literature in the form of showing historical, civilizational, religious, and linguistic commonalities through explaining the discourse analysis of the common cultural-historical contexts, especially in geoculture (cultural geography) and presenting a strategy for cultural diplomacy.

Keywords: *discourse analysis, soft power, cultural induction, teaching Persian language and literature, strategy, cultural diplomacy*

تحلیل گفتمان قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی در راهبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۱

سهیلا رضایی مهر

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
rezai_soheyla@yahoo.com

عباسعلی وفايي

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران a_a_vafaie@yahoo.com

داوود اسپرهم

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران d_sparham@yahoo.com

چکیده

تحلیل گفتمان رویکردی بین رشته‌ای می‌باشد که در حیطه‌ی زبان‌شناسی، علوم سیاسی، روابط فرهنگی، روابط بین الملل و قدرت نرم و... قابلیت تبیین دارد. این رویکرد در بردارنده دو نگرش است؛ نگرش اول که مختص علم زبان‌شناسی و مطالعات درون زبانی است، نگرش دوم که مطمح نظر این پژوهش است، عوامل برون زبانی را که شامل فرهنگ و جغرافیای فرهنگی می‌باشد، مورد واکاوی قرار می‌دهد. از طریق قدرت نرم در جهت سیاست القای فرهنگی، زبان و ادبیات ابزار روابط پنهان قدرت می‌شود؛ زیرا هر کشور منافع خاص فرهنگی خود را در پس سیاست‌های خاص نفوذ و استحاله فرهنگی کشور هدف پیگیری می‌کند. بعلاوه یکی از مهمترین سیاست‌های فرهنگی جهت نفوذ در فرهنگ‌ها، آموزش زبان و ادبیات می‌باشد؛ و این هدف طی دو مسیر محقق می‌شود، در مسیر اول بین فرهنگ متعالی (سلطه‌گر) از طریق مروجان و معرفان آن، با مخاطبان فرهنگ تالی (سلطه پذیر، تبعیت کننده) با ترویج و تبیین به همراه جذابیت‌های فکری و فرهنگی ایجاد ارتباط می‌شود. در مسیر دوم با آموزش زبان و ادبیات در گستره ای اعم از سطح، عمق، فراگیری و فراوانی مخاطبان سلطه زبانی و نفوذ فرهنگی ایجاد و تقویت می‌شود که دستاورد و پیامد آن دیپلماسی فرهنگی از طریق قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات را به ارمغان می‌آورد. این پژوهش با روش اسنادی و با رویکردی توصیفی –

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که نقش تحلیل قدرت نرم آموزش زبان فارسی و به تبع، ادبیات فارسی در روابط راهبردی دیپلماسی فرهنگی چه جایگاهی دارد و چگونه ارزیابی می‌گردد. از مهمترین دستاوردهای این پژوهش می‌توان به تاثیر گذاری آموزش زبان و ادبیات فارسی در قالب نشان دادن اشتراکات تاریخی، تمدنی، مذهبی و زبانی با تبیین تحلیل گفتمانی زمینه‌های فرهنگی - تاریخی مشترک، خصوصا در حیطه‌ی ژئوکالچر (جغرافیای فرهنگی) و ارائه راهبرد در حیطه دیپلماسی فرهنگی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، قدرت نرم، القای فرهنگی، آموزش زبان و ادبیات فارسی، راهبرد، دیپلماسی فرهنگی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۸ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۴

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۳-۹۲

مقدمه

در آغاز، اصطلاح تحلیل گفتمان را، هریس، زبان‌شناس معروف انگلستان به کار برد. او این اصطلاح را نگاه صرف به صورت و ارکان جمله می‌دانست اما پس از وی زبان‌شناسان دیگر، آن را درمقابل تحلیل متن و در قالب تحلیل گفتار، کلام و... و حتی فراتر از آن در انواع جنبه‌های مختلف استفاده از زبان به کار گرفتند. در این دیدگاه رابطه‌ی زبان با عناصر برون‌زبانی و فرازبانی مورد کاوش قرار می‌گیرد. (فرکلاف، ۱۹۷۹، ص. ۸)

مفهوم گفتمان در عصر کنونی به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در میان اندیشمندان سیاسی، فرهنگی و روابط بین‌الملل و... درآمده است و با اصطلاحاتی مانند قدرت، سلطه، زور و غیره در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل همراه شده است؛ اما باید دانست که گفتمان‌ها آنجا که در تشریح قدرت نرم به کار می‌روند؛ قاعده تصریح نشده و پنهان در روابط قدرت می‌شوند.

دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها اصولاً در قالب نگاه راهبردی به مسائل مختلف ملی و بین‌المللی تعریف می‌شود. از این رو در عصر حاضر هماهنگی و اولویت‌بندی هر کشور، نسبت به مسائل راهبردی تفاوت‌هایی با دیگر کشورها دارد که براساس راهبرد و درجه اهمیت سیاست خارجی آن کشور قابل بررسی، تشخیص و تبیین است. در میان مسائل راهبردی در گستره‌ی دیپلماسی کشورها آنچه بسیار مهم و تاثیرگذار تلقی می‌شود؛ عامل فرهنگی به همراه مولفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم است که از آن بهره‌برداری می‌شود. یکی از این مولفه‌های فرهنگی، نوع خاص از قدرت، زبان و ادبیات است که حامل اقتدار معنوی و

محمل تمدن، آداب و رسوم، سنن، ارزش‌های فطری، الهی و انسانی هر فرهنگ است و تاثیرگذار در فرایند قدرت نرم راهبردی ارزیابی می‌شود. بنابراین زبان و ادبیات به سبب آنکه یکی از مسائل مهمی است که اذهان صاحب‌نظران حوزه دیپلماسی فرهنگی و روابط بین‌الملل را نیز به خود معطوف داشته‌است، در قدرت نرم جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل آموزش زبان در کشورهای پیشرو در حیطه زبانی و ارائه راهبردی در گسترش سطح آموزش زبان و ادبیات فارسی در این زمینه است؛ زیرا این ابزار مهم قدرت نرم می‌تواند به دلیل گستردگی و پوشش فکری و فرهنگی و با استفاده از ابزارهای نوین آموزشی و برنامه‌ریزی هدفمند، بدون ایجاد تنش و تحمیل هزینه‌ی سنگین نسبت به راهبردهای دیگر، بیشترین دستاورد جغرافیای فرهنگی را ایجاد و تقویت کند تا سطح و عمق دیپلماسی فرهنگی گسترش یابد.

۱. پیشینه پژوهش

لطفی پورساعدی (۱۳۷۲) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی به سخن‌کاوی» به تعریف تحلیل سخن (سخن‌کاوی) پرداخته است و چگونگی پیدایی و ابعاد مختلف آن را از دید تحلیلگران بیان کرده است. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۲)

امیر رضایی پناه و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۵) کتاب «تحلیل گفتمان؛ امر سیاسی به‌مثابه یک برساخت گفتمانی» را ترجمه کردند که شامل مقالاتی برگزیده از برجسته‌ترین نویسندگان و نظریه‌پردازان حوزه تحلیل گفتمان سیاسی همچون لاکلا، موف، نورمن فرکلاف، وداک، ویوین بر، هوارث، ایزابلا فرکلاف، میشل پشو و دیگران است و در پی آن است که به تبیین و بازنمایی مسائل عینی، جزئی و کاربردی در عرصه سیاسی و در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان بپردازد. (لاکلا، و غیره، ۱۳۹۵)

عسگریان، شیرواند و موسوی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان نقش زبان در گفتمان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ به شناسایی نقش زبان در شکل‌گیری گفتمان‌ها از طریق نشانه‌شناسی شناختی عناصر زبانی، استعاره‌ها و همچنین بازنمایی اجزای دیپلماسی فرهنگی پرداخته‌اند. (عسگریان، شیرواند، & موسوی، ۱۳۹۳)

دهقانی فیروزآبادی و ذوالفقاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت‌عنوان تحلیل قدرت

نرم بریتانیا که شامل منابع جامعه‌محور (منابع درون‌زای قدرت نرم شامل میراث فرهنگی، زبان، آموزش زبان و...) و منابع دولت‌محور شامل (ارزش‌های سیاسی، نظام کشور انگلستان، دیپلماسی و...) است به تحلیل قدرت نرم بریتانیا پرداختند. در پژوهش‌هایی که بیان شد به مفهوم تحلیل گفتمان، کاربرد نظریه تحلیل گفتمان در علوم سیاسی و... همچنین شاخص‌های مختلف قدرت نرم برای نمونه در کشوری مانند بریتانیا که از نظر منابع قدرت نرم پیشرو است، پرداخته شده‌است. اما در این پژوهش به بحث زبان و ادبیات و آموزش آن (آموزش زبان و ادبیات فارسی) در قالب تحلیل گفتمان قدرت نرم در دستگاه دیپلماسی فرهنگی خواهیم پرداخت و فرق این پژوهش با پژوهش‌های دیگر قدرت نرم آن است که هم قدرت نرم برساخته دیپلماسی فرهنگی است؛ آنجا که دربرگیرنده ارزش‌های فرهنگی (سیاست‌های القای فرهنگی) می‌شود و هم دربرگیرنده دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان قدرت و... بنابراین ما در اینجا با قدرت نرم، آنجا که برساخته و زیرمجموعه دیپلماسی فرهنگی می‌شود، سروکار داریم و در این پژوهش سعی داریم در حیطه تحلیل گفتمان، به واکاوی، پیرامون قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی در ذیل دیپلماسی فرهنگی بپردازیم.

۲. چارچوب نظری

در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واژه‌ی دیپلماسی معانی گوناگونی دارد و براساس دیدگاه‌های مختلف، از ابعاد متفاوت بدان نگریسته‌اند و تعاریفی از آن ارائه داده‌اند. آلا‌دپوش و توتون‌چیان برای واژه دیپلماسی، چهل و شش تعریف ارائه کرده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به تعاریفی همچون «سیاست خارجی»، «مذاکره سیاسی»، «دستگاه اداره امور خارجی» و «علم سیاست» اشاره کرد. (آلا‌دپوش & توتون‌چیان، ۱۳۷۲، ص. ۴)

اگر دیپلماسی برابر با سیاست خارجی قلمداد شود، از آنجایی که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی تلقی می‌شود و روابط بین‌الملل نیز به مجموعه روابط جریان‌یافته فرامرزی از جمله روابط فرهنگی تعریف می‌شود، پای فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی به عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل کشیده می‌شود.

(نقیب زاده، ۱۳۸۱، ص. ۲۵)

دیپلماسی فرهنگی بخشی از دیپلماسی کشورهاست که به ایجاد، گسترش و پیگیری روابط با کشورهای دیگر از طریق فرهنگ، هنر و آموزش زبان و... می‌پردازد. (صالحی امیری & محمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰) این نوع خاص از دیپلماسی می‌کوشد با استفاده از فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی مانند هنر، آموزش زبان و ادبیات، ارزش‌ها و... بر افکار عمومی مردم دیگر کشورها اثر بگذارد.

جوزف نای، تئورسین قدرت نرم، آن را روشی برای نتایج مطلوب و دلخواه با سیاست‌های ترغیبی و تشویقی غیرواضح و ناملموس دانسته است که حاکمیت دولت براساس آن می‌تواند به اهداف و مقاصد خود دست یابد؛ به عبارت دیگر وصول به اهداف موردنظر حکومت از طریق سیاست‌های جاذب نه زور و تشویق آشکار صورت پذیرد. (نای، ۱۳۸۲، ص. ۴۷) امروزه مهم‌ترین حوزه‌ای که می‌تواند قدرت نرم را به سرمنشأ مقصود و اهداف خویش برساند، دیپلماسی فرهنگی است و چنان‌که گفته شد آموزش زبان و ادبیات فارسی نیز از ابزارهای مهم این نوع دیپلماسی است؛ پس آموزش زبان و ادبیات به‌نوعی ابزار مهم قدرت نرم نیز محسوب می‌شود که با توسعه و گسترش آن در پرتوی قدرت نرم‌القای فرهنگی به ارتقای سطح دیپلماسی فرهنگی خواهد انجامید.

۳. تحلیل گفتمان مفهوم القای فرهنگی

تامل درباب یافتن ابزار و روش‌های اعمال دیپلماسی فرهنگی، ما را به فرهنگ و سنن ملت‌ها بازمی‌گرداند. (سلیمی بنی & شیخان، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۲) به‌طورکلی فرهنگ به مجموعه‌ای از معیارها، ارزش‌ها و هر آنچه محصول خلاقیت هر جامعه انسانی نظیر زبان، هنر، علم، دین و... که مشخص‌کننده مرز بین انسان و سایر موجودات است، اطلاق می‌شود.

اتکینسون و رابوی^۱ معتقدند که فرهنگ، تصویری است که هر کشور از خود می‌سازد و شامل هنر، موسیقی، ادبیات، نقاشی، معماری، تئاتر، سینما و غیره می‌شود. مهم آن است که یک ملت چگونه آرزوها، آرمان‌ها و امیدهای خود را بیان می‌کند یا

از گذشته و آینده خود سخن می‌گوید. (اتکینسون & رابوی، ۱۳۸۱، ص. ۳۴-۳۳)

امروزه قدرت نرم فرهنگی در عرصه روابط بین‌الملل، اهمیت و اولویت خاصی یافته‌است، به گونه‌ای که همه کشورهای تاثیرگذار در نظام بین‌المللی خواستار بهره‌گیری از ابزارهای کارآمد و موثر فرهنگی قدرت نرم هستند؛ چرا که این ابزارها، هم کم‌هزینه‌تر و هم دربردارنده دستاوردهای بیشتری در دستیابی به اهداف دولت‌ها و منافع ملی آنهاست.

جوزف نای در کتاب کاربرد قدرت نرم، توجه ویژه‌ای را به تسلط بر فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه داشته‌است؛ (Nye, 2004, pp. 5-8) همچنین به اعتقاد نای، هر زمان که کشوری به‌حدی از فراست اطلاعاتی برسد و مناقشات و اختلافات را به گونه‌ای حل کند که از آنها امتیاز کسب کند، به قدرت نرم دست یافته‌است. (نای، ۱۳۸۲، ص. ۱۰) در این میان باید مدنظر داشت که مفهوم القای فرهنگی که خود یکی از سازوکارهای قدرت نرم است، با نفوذ فرهنگی، افکار جوامع دیگر را مورد ارزیابی قرار داده و با توجه به سیاست‌های فرهنگی خود به برنامه‌ریزی فرهنگی برای آنها می‌پردازد. در این میان، اگر فرهنگ مسلط، دارای ابعاد همه‌جانبه و جذابیت باشد، چه بسا که القای فرهنگی چنان در جامعه آرام، آهسته و نافذ حرکت می‌کند که می‌تواند القای فرهنگی را به فرهنگ‌پذیری در جامعه یا جوامع موردنظر تبدیل کند؛ به نظر می‌رسد این فرایند، اوج دیپلماسی فرهنگی را در خود متبلور می‌سازد. باید دانست که القای فرهنگی غالباً از طریق دیپلماسی آموزش زبان به‌طور خاص و حتی جاذبه‌های ادبیات در فرهنگ‌های کهن و باسابقه به‌جهت بار تمدنی و ایجاد اشتراکات به‌وسیله برنامه‌های آموزشی در راستای دیپلماسی فرهنگی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸، ص. ۴-۵)

دیپلماسی نوین که همان «دیپلماسی فرهنگی» است به فرانسه قرن نوزدهم بازمی‌گردد. فرانسویان این نوع خاص از دیپلماسی را در حوزه‌ی روابط خارجی طراحی و تعریف کرده‌اند.

مهم‌ترین نمونه‌های ابزارهای دیپلماسی فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای دیگر نیز از اواخر قرن نوزدهم تاکنون، توسط موسسات و نهادهای

آموزشی و فرهنگی معروف کشورهای نظیر انگلیس (بریتیش کانسیل)، آمریکا (انجمن‌های فرهنگی و همچنین آژانس اطلاعات ایالات متحده آمریکا)، فرانسه (آلیانس)، آلمان (گوته)، چین (کنفسیوس)، ایتالیا (دانته)، ژاپن (بنیاد توکیو) و... به کار گرفته شده‌اند (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۰-۱۰۹).

در ترویج زبان انگلیسی در راستای تحقق اهداف دیپلماسی عمومی و فرهنگی در سیاست خارجی آمریکا و انگلیس، باید به دو نهاد رسمی در این دو کشور که وظیفه ترویج زبان انگلیسی به آنها از سوی دولت‌های شان واگذار شده، رجوع کرد. در آمریکا، «دفتر برنامه‌های زبان انگلیسی اداره امور فرهنگی و آموزشی وزارت خارجه آمریکا» این نقش را برعهده دارد و در سیاست‌های اعلامی این دفتر آمده است: آموزش زبان انگلیسی یکی از اهداف اصلی وزارت خارجه آمریکا جهت گسترش تفاهم متقابل بین مردم آمریکا و دیگر ملل جهان است. افزایش ظرفیت داوطلبان زبان انگلیسی در سرتاسر جهان، موجب نزدیکی آنها با فرهنگ آمریکا می‌شود. یکی دیگر از مزیت‌های آموزش زبان انگلیسی، تبادلات فرهنگی بین ملل مختلف در آمریکاست و به‌عنوان نقطه‌ای مثبت، زن‌ها و گروه‌های اقلیت را به‌خوبی پوشش می‌دهد. دسترسی به بازارهای شغلی جهانی، از دیگر مزایای آموزش انگلیسی است. این آموزش، از طریق سفارت‌ها و کنسولگری‌های آمریکا سازمان‌دهی می‌شود. همچنین ایالات متحده آمریکا در طول دوران کوتاه قدرت استعماری خود، از آموزش عالی به‌عنوان بخشی از سیاست استعماری خود استفاده کرده است. برای نمونه، این کشور نهادهای آموزش عالی را در فیلیپین به‌عنوان بخشی از حضورش در این کشور بنا کرد. با این‌همه در جریان جنگ سرد، ایالات متحده نقش بسیار فعال‌تری را در گسترش ایده‌های فرهنگی و سیاسی خود ایفا کرد. همچنین آموزش عالی آمریکا نقش مهمی را در کشمکش ایدئولوژیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشته است. حکومت ایالات متحده، بنیادهای خصوصی و دیگر آژانس‌های وابسته به آن از «مبادلات دانشگاهی» همچنین «برنامه‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی» حمایت مالی می‌کردند؛ هدف از این حمایت‌ها سهیم شدن در ارائه تصویری مثبت از آمریکا در سراسر جهان و همچنین ایجاد ارتباط با دانشگاه‌ها و

دیگر بخش‌های بین‌المللی بود. برخی تحلیلگران از ارتباطات حکومتی با دانشگاه‌ها انتقاد می‌کردند، درحالی‌که برخی دیگر، این تلاش‌ها را برای سیاست خارجی آمریکا حیاتی می‌دیدند. (دهشیری & طاهری، ۱۳۹۵، ص. ۶۳)

۴. تحلیل گفتمان آموزش زبان و ادبیات با سیاست القای فرهنگی

زبان هر کشور ریشه در فرهنگ آن کشور دارد؛ پس آموزش زبان خارجی بدون فهم دقیق از بافت فرهنگی زبان امکان‌پذیر نخواهد بود. زبان تجلیگاه فرهنگ و وسیله انتقال ارزش‌ها و مسائل فرهنگی است. قدرت زبان در تاثیرگذاری بر فرهنگ، امروزه بر هیچ‌کس پوشیده نیست تا آنجا که می‌توان زبان را جلوه کلامی فرهنگ‌ها دانست و انتقال مفاهیم زبان از جامعه به جامعه‌ای دیگر را به‌مثابه «انتقال فرهنگ» به آن جامعه به شمار آورد؛ زیرا زبان نظام نشانه‌های آوایی اختیاری (symbols arbitrary vocal) است که ارتباط و عکس‌العمل‌های متقابل میان همه مردم دارای فرهنگ معین یا افراد دیگری، که آن نظام را فراگرفته باشند (تحت آموزش آن زبان خارجی‌اند)، امکان‌پذیر می‌کند. (Brown, 1994, p. 4)

ترمیناسوا^۱ معتقد است که زبان، ارزش‌های فرهنگی را در کلمات، دستور و قواعد، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و تعبیرات، فولکلور، ادبیات، علم، همچنین در نوشتار و گفتار شفاهی حفظ می‌کند. (Charbonnier, 1961, p. 188)

سویدرسکی^۲ از احاطه‌ی یادگیری زبان فرهنگ بر یادگیری زبان، سخن رانده است و معتقد است که یادگیری زبان نقطه‌ی شروع و نقطه‌ی کانونی است و یادگیری فرهنگ نیز هدف است. (Тер Минасова, 2000, p. 15)

از دیگر افرادی که در این زمینه سخن گفته‌اند، لیبرون^۳ و همکارانش هستند که به کتاب‌های درسی آموزش زبان به‌عنوان یک محصول فرهنگی و نماینده‌ی فرهنگ یک ملت نگریسته‌اند و به اعتقاد آنها هیچ کتاب درسی نمی‌تواند خالی از ارزش‌های مختلف فرهنگی باشد؛ پس کتاب‌های آموزش زبان با هدف ارتقای سطح دیپلماسی

1. Ter minasova

2. soydereski

3. Lebrun

فرهنگی باید آکنده از ارزش‌های فرهنگی گوناگون و رنگارنگ باشد (بحرینی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۵) چرا که یکی از پیوست‌های بدیهی مفهوم (جهانی‌شدن)، همسان ساختن نحوه‌ی تکلم، ترویج زبانی مشترک یا به عبارت بهتر تبلیغ رسم الخطی اقتدارگرا و تمامیت‌خواهانه است که اقسام ملل نیز برحسب ضرورت ملزم به یادگیری آن زبان جدید خواهند بود. با مروری بر روند تاریخی تحمیل زبان‌های بیگانه از جنوب قاره آمریکا گرفته تا شبه‌قاره هند و شمال آفریقا، با نام استعمارگران کهنه‌کاری مانند پرتغال، فرانسه، اسپانیا، هلند و بریتانیا مواجه می‌شویم که سعی ویژه‌ای در القای فرهنگ از طریق زبان خویش بر مستعمرین‌شان داشته‌اند. امپریالیسم فرهنگی که رابطه فرهنگ و امپریالیسم و نیز آثار قدرت فرهنگی استعمار در کشورهای مستعمره یا در حال توسعه است (مطلبی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۱)؛ به منظور حفظ دستاوردهای خویش همچنین برای توسعه و گسترش حوزه نفوذ در کشورهای هدف، ناگزیر است که در قالب القای فرهنگی به فرهنگ و افکار ملل جهان نفوذ کرده و در راستای تحقق منافع خود بر آن سیطره یابد؛ لذا غربی‌ها و علی‌الخصوص ایالات متحده آمریکا تلاش کرده‌اند تا از رهگذر نفوذ فرهنگی و دیپلماسی نرم که از مهم‌ترین ابزار آن؛ کتاب‌ها یا دوره‌های آموزشی زبان و فرهنگ (در مضامین کتاب‌های‌شان) است، به‌عنوان ابزاری در جهت خدمت به اهداف نفوذ و القای فرهنگ خویش بهره ببرند. این راهبرد در قرن اخیر به‌نحو گسترده در دستور کار استراتژیست‌های آمریکایی قرار داشته است. در گزارشی بودجه تخصیص یافته به راهبرد آموزش «زبان‌انگلیسی آمریکایی» در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۵۰ میلیون دلار برآورد شده است (Comprehensive Annual Report on Public Diplomacy and International Broadcasting, 2015, p. 89) که همه نشانگر قدرت نرم القای فرهنگی توسط آموزش زبان در چارچوب دیپلماسی فرهنگی در کشورهای ابرقدرت است. دولت‌ها اغلب آموزش زبان را به‌عنوان یک ابزار موثر و مفید برای اقدامات حضور و نفوذ خود قرار می‌دهند که به مواردی از اقدامات کشورهای مختلف در این زمینه می‌پردازیم.

در کشور انگلیس، آموزش زبان به غیرانگلیسی‌زبان‌ها برعهده «شورای فرهنگی

بریتانیا» است که بنا بر ادعای این شورا، در سال ۱۹۳۴ با هدف خلق دانش و تفاهم بین مردم بریتانیا (انگلیس، ایرلندشمالی، ولز و اسکاتلند) و سایر مردم جهان به نام «روابط فرهنگی» تأسیس شد. این شورا، که دارای ۲۰۰ دفتر و نمایندگی در ۱۰۰ کشور دنیا است، در سیاست‌های اعلامی خود خلق روابط بسیار نزدیک با سایر جهان از خلال هنر، آموزش و روابط اجتماعی را مهم‌ترین وظیفه خود می‌داند. شورای فرهنگی بریتانیا، یک موسسه تدریس زبان انگلیسی دارد؛ این موسسه مدعی است که ۷۵ سال تمام با استفاده از بهترین اساتید زبان انگلیسی، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در ۱۰۰ کشور جهان را تحت پوشش یادگیری قرار داده است. (قربی، ۱۳۹۶)

ایده گسترش زبان و فرهنگ فرانسه؛ نخستین بار در جهان در سال ۱۸۸۳ میلادی در پاریس نهادی به نام آلیانس فرانسه یا کانون ملی برای ترویج زبان فرانسه با بودجه سالانه ۳۰۰ هزار فرانک تأسیس شد که از جمله اهداف آن آموزش و گسترش زبان فرانسه با شعار: «هدف ما پیوندی است با فرانسویان برون مرزی و زنده نگه داشتن زبان ملی در میان آنان و در میان همه دوستداران زبان و فرهنگ فرانسه از هر نژاد و ملیت که باشند». (ناطق، ۱۳۷۵، ص. ۸۳) بعدها این سه نهاد آموزشی و فرهنگی فرانسه که با اهداف فرهنگی و جهان‌شمولی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در کشورهای مختلف شروع به فعالیت کردند، عبارت بودند از مدارس مسیونرهای لازاریست‌ها و مدارس آلیانس فرانسه و به‌طور مشخص مدارس آلیانس یهود که عمدتاً فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی را در کشورهای مختلف با تکیه بر آموزش زبان فرانسه آغاز کردند. لازاریست‌ها در جامعه مسیحیان ایرانی و آلیانس یهود در جامعه یهودیان ایرانی و آلیانس فرانسه که نگاه عمدتاً غیرمذهبی داشت، در ایران فعالیت‌های متعدد آموزشی، اعتقادی و فرهنگی در قالب آموزش زبان فرانسه تعقیب کردند و با استفاده از جذابیت‌های زبانی سعی در القای اهداف فرهنگی در فضای آموزشی در گستره کمی و کیفی را در دستور کار داشتند.

آلمان نیز مترصد توسعه امپراتوری زبانی ژرمن‌ها با کمک دستگاه دیپلماسی آلمان است. گسترش زبان و فرهنگ آلمانی در جهان، به‌صورت رسمی برعهده «موسسه گوته» است که یک موسسه عمومی است که بخشی از بودجه آن از طریق

شهریه‌ها (حدود ۳۰ درصد) تأمین می‌شود ولی به مقدار قابل توجهی از بودجه وزارت امور خارجه استفاده می‌کند (حدود ۷۰ درصد). موسسه گوته ۱۵۸ نمایندگی در خارج از کشور و ۱۲ دفتر در داخل آلمان و در کل جهان بیش از ۲۰۰۰ کارمند دارد. تقریباً هر سال، حدود ۳۰۰ هزار نفر زیر نظر نمایندگی‌های این موسسه، آموزش زبان آلمانی می‌بینند. مدرسان این کلاس‌ها را معلمان بومی و همچنین غیربومی تشکیل می‌دهند. منابع آموزش زبان آلمانی در این موسسه مطابق با کتاب‌هایی است که براساس چارچوب مرجع اتحادیه اروپا تدوین می‌شوند. اهمیت گسترش زبان و فرهنگ آلمانی در جهان منجر به آن شده است که در دهه اول پس از جنگ (دهه بازسازی) این موضوع در اولویت قرار گیرد. (صادقی، ۱۳۹۵)

موسسه کنفوسیوس به‌عنوان یک سازمان آموزش عمومی غیرانتفاعی معرفی شده که به وزارت آموزش جمهوری خلق چین وابسته بوده است و هدف اعلامی آن، ترویج زبان و فرهنگ چینی، حمایت از تدریس زبان چینی در کشورهای مختلف و تسهیل تبادلات فرهنگی است. هرچند این موسسه گاه با موسساتی چون بریتیش کانسیل یا موسسه گوته آلمان سنجیده می‌شود؛ اما برخلاف این گروه، موسسات کنفوسیوس در داخل دانشگاه‌ها، کالج‌ها و مدارس متوسطه موجود به فعالیت پرداخته و منابع مالی، آموزگار و منابع آموزشی در اختیار آنها قرار می‌دهند. آغاز به کار این موسسه در سال ۲۰۰۴ بود و شعبات این موسسه تحت نظارت «هانبان» یا دفتر دولتی آموزش بین‌المللی زبان چینی قرار دارند. هیات‌مدیره این موسسه از میان کادر رهبری حزب کمونیست چین و همچنین وزارتخانه‌های مختلف این کشور انتخاب می‌شوند. فعالیت این موسسه در دیگر کشورها بدین صورت است که توافقاتی برای همکاری میان موسسه کنفوسیوس و موسسات آموزشی خارجی به امضا رسیده و وظیفه تأمین منابع مالی آن، به‌طور مشترک برعهده موسسه کنفوسیوس و موسسه میزبان است. (عزیزی، ۱۳۹۳، ص. ۹۶)

کشور ترکیه برای آموزش و گسترش زبان ترکی موسسه‌ای به نام «بنیاد یونس امره» را ایجاد کرده است. این موسسه اگرچه یک نهاد غیردولتی است اما تمامی فعالیت‌هایش در راستای آموزش زبان ترکی در جهان است. موسسه

غیردولتی «یونس امره» با هدف معرفی زبان، فرهنگ، هنر و تاریخ کشور ترکیه، در سال ۲۰۰۹ تأسیس شده و تاکنون ۳۸ نمایندگی در خارج از ترکیه (از جمله ایران) راه‌اندازی کرده است و تاکنون هم مجری دوره‌های مختلف آموزش زبان ترکی، پروژه‌های متعدد علمی و فعالیت‌های فرهنگی بوده است. این موسسه از حمایت‌های مادی و معنوی دولت ترکیه بهره‌مند می‌شود و برگزاری سمینارهای فرهنگی - ادبی، دوره‌های آموزش خوشنویسی، گفتگو با نویسندگان و شعرا، اجرای کنسرت موسیقی، تئاتر و شب شعر و... را پیگیری می‌کند. براساس مطالب گفته‌شده در حوزه تحلیل گفتمان زبان در ارتباط با سیاست‌های فرهنگی آموزش زبان در کشورهای مختلف به این نتیجه روشن می‌رسیم که آموزش زبان از سوی کشوری در کشور دیگر، هدفی بالاتر از آموزش را تعقیب می‌کند و آن؛ القای فرهنگی به جامعه هدف است که در آن آموزش زبان ترویج می‌شود.

۵. تحلیل گفتمان آموزش زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم

زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های مطرح در طول تاریخ بشری، محمل تمدن و فرهنگ گرانسنگ ایران فرهنگی بوده است؛ فرهنگ و تمدنی که قرن‌های متمادی بر قسمت بزرگی از کناره‌های اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر، فراغنه تا بغداد، دهلی تا قسطنطنیه، سنگاپور تا اسپانیا رواج و سیطره داشته است. چنان‌که بیان شد، در قرن هشتم معماران زبردست ایرانی بنای معروف الحمرا را در اسپانیا می‌ساختند و خنیاگران چینی برای این بطوطه، جهانگرد مراکشی؛ اشعار سعدی را زمزمه می‌کردند. در همان قرون در جاوه و سنگاپور بر الواح کتیبه‌های سنگ مزارها از خط فارسی استفاده می‌شد. زبان و ادبیات فارسی در آسیای صغیر و قلمروی عثمانیان نیز شأن و منزلتی والا داشت (ریاحی، ۱۳۴۹، ص. ۷۸) چنان‌که در آغاز سلطنت عثمانیان، زبان رسمی، زبان فارسی بود و نامه‌های پادشاهان عثمانی به فارسی نوشته می‌شد. این زبان چندین قرن متمادی زبان رسمی و مملکتی در آسیای صغیر بود؛ چنان‌که زبان صحبت و نوشتار طبقه فرهیخته نیز بود. در همین دوره تعداد زیادی از متون فارسی مورد استنساخ قرار گرفتند که امروزه شمار قابل توجهی از این نسخ در کتابخانه‌های

کشور ترکیه و در مراکز علمی ایران و اروپا وجود دارد و نشانگر گسترده‌ی نفوذ زبان و ادبیات فارسی به سرزمین‌های دیگر است. (ریاحی، ۱۳۴۹، ص. ۸۰) گستره نفوذ زبان فارسی به جنوب شرق اروپا یعنی به کشورهای یوگسلاوی، آلبانی، بلغارستان و قبرس هم رسید که ماحصلی از آن به چشم می‌آید. در کشور یونان و رومانی نیز شاید بتوان اثراتی از این تاثیر زبان را یافت که اسنادی از گستره‌ی نفوذ و استیلای زبان و ادبیات فارسی به نقاط مختلف جهان است. (ریاحی، ۱۳۴۹، ص. ۸۰-۷۹)

آنچه در این میان اهمیت دارد، راهبرد چگونگی استفاده از ظرفیت غنی و پربار این رکن مهم فرهنگی برای ارتقای سطح آموزش و جهان‌شمول کردن آن در جهت افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از طریق تلاش در گسترش آموزش زبان فارسی در قالب موسسات و استفاده از مدل‌های آموزشی، جغرافیایی و فرهنگی است، تا این جایگاه برای زبان فارسی کسب شود و برای تحقق این هدف، نقش کشورهای هم‌زبان (تاجیکستان و افغانستان حتی ازبکستان و کشورهای آسیای مرکزی) که ملت‌های آنان به زبان فارسی سخن می‌گویند یا با کشورهایی که ریشه مشترک زبانی دارند (کشورهای شبه‌قاره) و اردو زبان هستند و بیشتر کلمات‌شان از واژگان فارسی برخوردار است و جمعیت کثیری به این زبان سخن می‌گویند، بهره گرفت.

زبان فارسی از درازنای تاریخ تاکنون به سیر و حرکت پویانه خود در بستر زمان ادامه داده است و از گذرگاه رخدادها و حوادث زمانه سرافرازانه عبور کرده است و همچون زبان‌های دیگر به دگردیسی‌های حاد مبتلا نشده است که در خواندن و درک متن‌های تاریخی عاجز بمانیم. (کزازی، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۳)

در طول قرن بیستم، زبان فارسی دستخوش دگرگونی‌های بسیاری بوده و تحولات سیاسی مختلف بر حیات و میدان کاربرد آن اثر نهاده‌اند. برای نمونه میدان دادن به زبان انگلیسی به جای زبان فارسی در کشورهای هند و پاکستان، فروپاشی امپراتوری عثمانی که زبان فارسی را زبان ادب خود می‌دانست، شوروی‌سازی آسیای مرکزی که روسی را به جای فارسی نشانده‌اند، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تجاوز شوروی به افغانستان و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی از آن جمله‌اند. با همه این تحولات، زبان فارسی یکی از ارکان هویت ایرانی است که بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی، تبلیغ و

شناخته شد، اما هویتی بسیار فراتر از فلات ایران پیدا کرد به گونه‌ای که گسترش آن را می‌توان در بیرون مرزها و در سرزمین‌هایی چون شبه‌جزیره بالکان، شبه‌قاره هند، آسیای میانه، ارمنستان و اسپانیا، بازاندیشی کرد. خاستگاه همگونی‌های واژگانی و ساختاری زبان فارسی با دیگر زبان‌ها و گسترش زبان فارسی در کشورهایی چون هند، پاکستان، ترکیه، بوسنی و هرزگوین، آلبانی، صربستان، کرواسی، مونته‌نگرو و مقدونیه را می‌توان از دیدگاه‌های تاریخ طبیعی و تاریخ اجتماعی تحلیل کرد؛ که به نام‌های گوناگون (ذری، تاجیک و فارسی) انشعاب یافته است. بنابراین زبان فارسی تنها زبانی است که ارتباط میان مردمان بسیاری را در کشورهای مختلف جهان شکل می‌دهد و باعث نزدیکی ایران با این کشورها شده است. پیدایش این دوره موجب شد که سیاست خارجی ایران درصدد کسب منافع اقتصادی در شمال و ایجاد توازن امنیتی در جنوب برآید. (شهسواری فرد، ۱۳۹۶، ص. ۳۶-۳۵)

بنا بر مطالب گفته‌شده حکایت از این دارد که آموزش و گسترش زبان فارسی این قابلیت را دارد که با برنامه‌ریزی‌های راهبردی و هدفمند به‌عنوان ابزاری کارآمد در قدرت نرم در اختیار دیپلماسی فرهنگی قرار گیرد.

باید تصریح کرد که یکی از اهداف منافع ملی، حفظ هویت ملی برخاسته از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی است که یکی از محورهای اساسی آن زبان و ادبیات فارسی است، بنابراین در دستگاه دیپلماسی فرهنگی باید توجه ویژه‌ای به آن کرد.

یکی از اهداف و مبانی دیپلماسی فرهنگی به‌وسیله‌ی تحلیل قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات، می‌تواند همراه‌کردن ذهن مخاطبان با جاذبه‌های زبان و ادبیات فارسی باشد. شناسایی و ارج نهادن به مشاهیر مشترک (بیشتر اشتراکات در مشاهیر غالباً در حیطه تمدنی مشترک) تاریخ مشترک، اسطوره‌های مشترک و... بنابراین کسب وجهه بین‌المللی در میان اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر فرهنگ و رفتار آنها، همچنین شناخت سیاست‌های کشور مقصد و شناسایی مبانی فرهنگی و تمدنی مشترک برای القای فرهنگی در حوزه دیپلماسی امری ضروری است با این توضیح، بی‌شک تحلیل گفتمانی عوامل پایداری و ماندگاری زبان و ادب فارسی و به‌نوعی مولفه‌های قدرت نرم آن را، در اعصار گذشته تا کنون، می‌توان درحیطه

دیپلماسی فرهنگی تاحدی در چارچوب مولفه‌ها و شاخص‌های زیر ارزیابی کرد.

۵-۱. زبان و ادب فارسی: گفتمان عظمت و غنای کمتی و کیفی

در ابتدا مهم‌ترین گفتمان فرهنگی زبان و ادبیات فارسی، آن است که این زبان در میان زبان‌های زنده جهان، از ادبیاتی غنی و محتوایی اندیشمندانه برخوردار است؛ به گونه‌ای که ادبیات فارسی را یکی از عظیم‌ترین ادبیات‌های بشریت خوانده‌اند. (Arberry, 1953, p. 200) این عظمت و غنی بودن از نظر کمیت حجمی متون ادبی به نسبت گویشوران آن و به لحاظ کیفیت ارزشمندی در میان همتایان آن، بسیار بالاست. (Rypka, 1968, p. 20)

بی‌شک آثار ارزشمند شاعران، نویسندگان، ادیبان و هنرمندان نام‌آور در این فرهنگ غنی در عرصه‌های ملی و جهانی، دستاوردها و رهیافت‌های ارزشمندی را به فرهنگ و تمدن این سرزمین و جهان بشری عرضه داشته است. آثار گرانشنگی همچون شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، مثنوی مولوی، گلستان و بوستان سعدی، خمسه نظامی، دیوان خیام و... که همواره مورد توجه مستشرقین غربی و شرقی بوده و هست که از نظر غنا و کیفیت بر ادبیات غالب ملل، اثرگذار بوده‌اند که خود دلیل دیگری بر این مدعاست و به جهت اجتناب از اطناب از توضیح بیشتر صرف نظر می‌شود.

۵-۲. زبان و ادب فارسی: گفتمان ارزش‌های فرهنگی والا، فطری و مشترک بشری

زبان و ادبیات فارسی دارای گفتمان ارزش‌های فرهنگی والا و مورد پذیرش فطری و بشری است؛ زیرا بسیاری از مفاهیمی که در میراث ارزشمند زبان و ادب فارسی است، امروزه جزئی از همین ارزش‌ها و اصول مورد پذیرش جوامع انسانی عصر حاضر است. برای نمونه، مولانا در اثر ارزشمندش مثنوی معنوی که آن را بزرگ‌ترین حماسه روحانی بشری نامیده‌اند، (کدکنی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸) مردم جهان را به دوری از تعصبات بیجا، تعلقات دنیوی؛ غرور، حرص و آز و... همچنین به سوی عشق، معرفت، صلح، دوستی و... خوانده است، او با قدرت ادبیات توانسته و خواهد توانست در القای فرهنگی و متناسب با قدرت نرم، طرفداران زیادی را با ارزش‌های فطری خود همراه سازد. چنان‌که «مثنوی معنوی مولوی یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های ایالات متحده است.» (Tristram, 2010, p. 11) و نباید

چنین ظرفیت‌های عظیمی را در قدرت نرم کوچک شمرد.

نمونه دیگر حافظ؛ در شعرش گفتمان عشق و دوستی و مدارا و دوری از ریا و ... را تبلیغ می‌کند و این قدرت القای مفاهیم موردپذیرش بشر را نباید دست‌کم گرفت تا آنجا که کلابوند، شاعر آلمانی قرن بیستم، شعر فارسی را از نظر زیبایی؛ عمق پیشرفت هنری جهان می‌داند و چنان‌که گویی تمام دیوانش را براساس زمینه فکری، فلسفی و هنری حافظ و خیام بنا کرده است. (میرعلیجانی، حسن زاده، & شوکتی، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۵)

گفتمان آنچنان جذابیتهایی دارد که در عمل مرزها را در می‌نوردد. به‌گفته‌ی محققین، کتاب «رباعیات خیام» پس از آثار الکساندر پوشکین، بیشترین شمارگان انتشار را در روسیه داراست. (شاه منصور، ۱۳۹۴) همچنین ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به نکات جالبی در این زمینه اشاره می‌کند و از جمله می‌گوید: «خیام را هر صبح قبل از شروع روز کاری می‌خوانم و به مسئولین و مدیران توصیه می‌کنم هر وقت با مشکلی مواجه شوند به خیام روی آورند، زیرا طرح موضوعات مهم زندگی و مرگ توسط این متفکر، به انسان امید و دلگرمی به زندگی می‌بخشد.» او در مصاحبه خود در تهران نیز به عشق و علاقه خود نسبت به اشعار خیام اشاره دارد. (شهسواری فرد، ۱۳۹۶، ص. ۳۷)

۳-۵. زبان و ادب فارسی: گفتمان تلون انواع ادبی

از دیگر گفتمان‌های ادبیات، تنوع و تلون متون ادبی است. این گونه‌ها شامل نمونه‌های برجسته در ادبیات حماسی، غنایی، تعلیمی، داستانی، نمایشی، اسطوره‌ای و غیره است که در فرایند جهانی شدن و القای قدرت نرم از طریق زبان و ادبیات می‌تواند جوابگوی سلاقی و علایق متفاوت در سطح جهان باشد چراکه ما در سطح جهان با ملت‌هایی روبرویم که دارای تاریخ‌ها و فرهنگ‌های گوناگون هستند. اگر بتوانیم به‌نحودقیق و شایسته‌ای از تولیدات متنوع ادبی خود، در جای مناسب، بهره‌برداری کنیم؛ همان‌گونه که شرکت‌های بزرگ تولیدی برای ملت‌های مختلف جهان، تولیدات گوناگونی را عرضه می‌کنند، باید تاکید و توجه بیشتر ما نیز در کشورهای مختلف بر جنبه‌هایی باشد که باتوجه به فرهنگ آن کشور، قابلیت جذب بیشتری دارد و می‌تواند بیشتر مورد اقبال و استقبال قرار گیرد. بنابراین نقش متولیان

امور فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی، به‌ویژه رایزنان فرهنگی در شناخت فرهنگ‌ها و علایق ادبی مردم کشورهای محل ماموریت، مهم ارزیابی می‌شود.

تحلیل گفتمان در قدرت نرم آموزش زبان ادبیات فارسی در دستگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد، فضا و ظرفیت عظیمی برای استفاده از زبان و ادبیات فارسی در بعد کلاسیک و در بعد معاصر و انقلابی شامل ترویج عدالت‌خواهی، تبلیغ و ترویج ظلم‌ستیزی، ترویج و تبلیغ استقلال‌طلبی واقعی ملت‌ها، حمایت از مستضعفان، استقلال، آزادی و ... امر آموزش آن به تناسب فرهنگ‌ها، سلايق، علایق و ... فراهم می‌آورد که در فرایند القا و جذب فرهنگی مهم ارزیابی می‌شود.

۶. متولیان آموزشی و فرهنگی خارج از کشور در جهت القای فرهنگی قدرت نرم

یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین سازوکارها و ابزارهای تامین اهداف فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند گسترش عناصر فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی سرچشمه گرفته از تمدن غنی ایران کهن در پیوند با مضامین اسلامی باشد؛ در این میان نظام جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح از شرایط منطقه و تحولات پدیدآمده، از طریق زبان و ادبیات فارسی و به پشتوانه‌های قوی فکری - فرهنگی ملت ایران در عرصه‌ی دیپلماسی، استراتژی و ... رهیافت جدیدی را تعریف کرده است که در این راستا یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی برون‌مرزی می‌بایست از طریق آموزش و گسترش زبان فارسی و آثار آن همراه با انتقال مفاهیم فرهنگی و انقلابی محقق شود. بنابراین زبان فارسی به‌عنوان ابزار مهم دیپلماسی فرهنگی و سیاسی در رأس فعالیت‌های فرهنگی ج.ا.ا قرار گرفته است که در این میان دستگاه‌های متولی عبارتند از:

۶-۱. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی این وزارتخانه، تمام روابط دانشگاهی کشور با دانشگاه‌های خارج از کشور را برعهده دارد. این مرکز حدود ۴۰ سال فعالیت

دارد که بیش از ۲۶۰ استاد زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسی به دانشگاه‌های خارج کشور برای تدریس زبان فارسی و ایران‌شناسی در قالب ماموریت چندساله اعزام کرده است که در این مسیر، حضور فعال و مستمر همچنین خدمات استادان زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور بسیار مهم بوده است؛ چرا که در دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم کشورمان در کشورهای مختلف تأثیرگذار هستند.

۶-۲. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با در اختیار داشتن ۸۰ نمایندگی فرهنگی اعم از رایزنی فرهنگی و خانه‌های فرهنگ در کشورهای مختلف جهان؛ متولی، سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مجری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، مقام معظم رهبری از این سازمان به‌عنوان حامل اقتدار معنوی یاد فرمودند و اشاره داشتند: «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی حامل اقتدار معنوی نظام است، اقتدار معنوی بر دیگر انواع قدرت‌ها ارجحیت و اولویت دارد.»

این سازمان دارای ماموریت‌هایی از جمله مدیریت و راهبری روابط فرهنگی بین‌المللی و سیاست‌گذاری، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به منظور تحقق اهداف نظام در عرصه روابط بین‌المللی است. اقدامات رایزنی‌های فرهنگی در حوزه آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی بی‌بدیل و کم‌نظیر است چون یکی از مهم‌ترین وظایف رایزنی فرهنگی تلقی می‌شود. براساس رصد و پایش گزارش‌های رایزنی‌های فرهنگی در بخش آموزش زبان فارسی در حوزه‌های مختلف اقداماتی صورت پذیرفته که شامل بررسی وضعیت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها، برگزاری نشست‌های تخصصی جهت بررسی وضعیت آموزش زبان فارسی در مراکز آموزش عالی، تحقیق و پژوهش در مورد عملکرد جمهوری اسلامی ایران در راستای آموزش زبان فارسی، چاپ کتاب‌هایی در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، تهیه و تدوین و نگارش متون، تولید سی‌دی‌های آموزشی زبان فارسی، برگزاری سمینارهای زبان و ادبیات فارسی خارج از کشور و اهدای محصولات فرهنگی و وسایل کمک آموزشی، برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی برای استادان و دانشجویان خارجی رشته

زبان فارسی در کشور در سه سطح مبتدی، متوسط و عالی آموزش زبان فارسی، اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان مقاطع فوق لیسانس و دکترا جهت تحصیل در ایران، تدوین شناسنامه های فرهنگی کشورها که دربردارنده وضعیت و جایگاه زبان فارسی است، تدوین شناسنامه اتاق های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ها، تدوین رساله های پایان ماموریت رایزنان فرهنگی می شود که بیانگر بخشی از فعالیت سازمان فرهنگ و ارتباطات در زمینه زبان و ادبیات فارسی است.

۳-۶. بنیاد سعدی

یکی از اقدامات اساسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از آغاز تاسیس تاکنون در حیطه آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی است. این سازمان با در اختیار داشتن بیش از ۸۰ نمایندگی فرهنگی در حوزه ارتقای سطح روابط فرهنگی بین المللی که توسط رایزنی های فرهنگی اداره می شود به امر آموزش زبان فارسی پرداخته است.

با تاسیس بنیاد سعدی در سال ۱۳۹۲ کلیه فعالیت های برنامه ریزی آموزش زبان و ادبیات فارسی به این بنیاد سپرده شده است. چشم انداز آموزش زبان فارسی و برنامه های بنیاد سعدی پس از گذر از تنگنای موجود امیدبخش خواهد بود زیرا در زمینه آموزش زبان فارسی، پذیرش دانشجویان فارسی آموز، برگزاری دوره های رسمی، برنامه ریزی آموزشی در حیطه آموزش زبان فارسی به طور تخصصی عمل خواهد کرد.

بر اساس رصد و پایش عملکرد سه دستگاه متولی در حوزه آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی که در سطور بالا بدانها پرداخته شد، به این تحلیل روشن دست یافتیم که دستگاه های متولی بر اساس وظایف و کارویژه های خود همچنین با توجه به امکانات و اختیارات، عملکرد شایسته ای داشته اند؛ ولی این عملکرد در حد انتظار راهبرد آموزش زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی نبوده است؛ زیرا برای رسیدن به جایگاه مطلوب و محقق کردن انتظارات دستگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی باید سیاست گذاری، برنامه ریزی، حمایت و هدایت همراه با نظارت در سند راهبردی آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی را که تاکنون جایگاهش در حوزه دیپلماسی خالی مانده است، به درستی تبیین کرد؛ بنابراین باید اقدام و عمل در دستور کار صف و ستاد این بخش از حوزه قدرت نرم، در جهت

القای فرهنگی قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی قرار گیرد.

۷. موانع پیشروی آموزش زبان و ادبیات فارسی در تحلیل گفتمان قدرت نرم (القای فرهنگی)

امانوئل والرشتاین^۱ جامعه‌شناس مارکیست آمریکایی در دهه شصت میلادی برای نخستین بار طرحی را تحت عنوان «تقسیم کار بین‌المللی» قرار داد و در «ترمینولوژی خاص خود، ژئوپلیتیک را سیاست کشورهای مختلف برای اینکه در کجای این تقسیم کار (پیرامون، شبه پیرامون و مرکز) قرار گرفته‌اند» تعریف کرد و ژئوکالچر که به جای سیاست، بر فرهنگ تمرکز می‌کرد را به‌عنوان «مفهومی، که بر تحمیل الگوهای فرهنگی از سوی قدرت‌های برتر مرکزی، بر کشورهای پیرامون و نیمه پیرامون برای زایل ساختن فرهنگ‌های بومی آنها اشاره دارد» بیان کرد. (واعظی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳)

بر اساس همین طرح، یکی از مهم‌ترین مشکلات عمده آموزش و گسترش زبان فارسی؛ نبودن مدلی برای کشورها که در بعد جغرافیایی، تاریخی، اشتراکات زبانی، فرهنگی و جامعه‌شناختی و به ویژه ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی که امروزه به عنوان زیربنای ژئوپلیتیک نیز هست را شاهد هستیم. نبودن تقسیم‌بندی خاصی برای نمونه تدوین کتب آموزش زبان و ادبیات فارسی متناسب با کشورهای دارای فرهنگ، تمدن، دین و آیین مشترک در آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره و... نبود مدلی بر مبنای تاریخ‌شناسی فرهنگی (تاریخ مشترک، اساطیر مشترک و...) و روان‌شناسی فرهنگی و... در ۵ قاره جهان کمبود مدرسان زبان و ادبیات فارسی و حتی رایزنان فرهنگی که خود در صدر سیاست القای فرهنگی و برنامه‌های آموزش زبان و فرهنگ قرار دارند.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی فرهنگی به جهت اهمیت مساله آموزش زبان و ادبیات از طریق نشان دادن اشتراکات زبانی، تاریخی، تمدنی و مذهبی در قالب القای فرهنگی بیشترین نقش را در

فرایند القای فرهنگی و قدرت نرم داراست چرا که این نوع از دیپلماسی سبب بالا بردن وجهه عمومی یک ملت و دولت در میان جهانیان از طریق ابزارهای مختلف فرهنگی است همان‌طور که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران دیپلماسی فرهنگی و روابط بین‌الملل پیروزی و موفقیت در عرصه سیاست خارجی است.

طراحی مدلی برای کشورهای همگن با رویکرد جغرافیایی، تاریخی، اشتراکات زبانی، فرهنگی و جامعه‌شناختی و در نهایت ژئوکالچر از جمله ضروریات اجتناب‌ناپذیر است از جمله در این طرح ابتدا باید مدلی ارائه شود که در نقطه و کانون آن، دو کشور افغانستان و تاجیکستان مورد توجه قرار گیرند و سپس کشورهای شبه قاره (هند و پاکستان) و پس از آن کشورهای حوزه تمدنی مشترک آسیای مرکزی و قفقاز که در اینجا اولویت با همسایگان است و بعد از آن کشورهای حوزه تمدنی که در فاصله دورتر قرار می‌گیرند و نهایتاً کشورهای دارای روابط راهبردی در حوزه نظام بین‌الملل و سیاست خارجی.

تدوین کتب آموزش زبان و ادبیات فارسی متناسب با کشورهای دارای فرهنگ، تمدن، دین و آیین مشترک از جمله اساسی‌ترین بخش و در تخصص بنیاد سعدی و وزارت علوم باید قرار گیرد. همچنین نقش رایزنان فرهنگی و استادان زبان فارسی که به زبان و فرهنگ کشور مورد نظر به جهت گسترش نفوذ زبان و ادبیات فارسی در فرایند القای فرهنگی نقش موثری دارند، توجه جدی شود و بهترین شخصیت‌های علمی، فرهنگی و فرهیخته در کشورهای محل مأموریت خدمت کنند. با نگاهی به عملکرد سیاست‌های کشورهای قدرتمند و بودجه‌های کلان بخش فرهنگی آنان، می‌توان مشاهده کرد که قدرت نرم آنان بیشتر ناظر به بعد آموزش زبان و ادبیات (فرهنگ) توسط انستیتوهای زبان است و همه نشانگر واقعیت انکارناپذیر نقش زبان و ادبیات در دیپلماسی فرهنگی است؛ و این نکته که گسترش زبان و ادبیات فارسی در بستر دیپلماسی فرهنگی و در فرایند القای فرهنگی فقط به عنوان گسترش یک زبان مدنظر نیست بلکه باید محتوا و مضامین عرفانی، اخلاقی، پرورشی، فرهنگی، هنری و علمی و ... آن نیز مورد ملاحظه قرار گیرد تا مرزهای دیپلماسی ما از مرزهای سیاسی فراتر رفته و مرزهای فرهنگی حتی مرزهای دینی را نیز درنوردد و به ارتقا و

کارآمدی سطح دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در گستره‌ی روابط بین‌الملل بیفزاید. در این میان یونسکو به عنوان یک سازمان جهانی و بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای برای هویت بخشیدن به زبان‌های برجسته و ممتاز دنیا و میراث ملموس و معنوی ملت‌ها را برعهده دارد که آن را نمی‌توان نادیده انگاشت بنابراین برای اینکه زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های رسمی جهان موردپذیرش قرار گیرد، دستگاه‌های علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید تلاش مجدانه‌ای را علاوه بر تلاش‌های سابق به کار بندند تا این جایگاه برای زبان فارسی کسب شود. برای تحقق این هدف نقش کشورهای هم‌زبان (تاجیکستان و افغانستان حتی ازبکستان و کشورهای آسیای مرکزی) که ملت‌های آنان به زبان فارسی سخن می‌گویند و با مردم ما ریشه مشترک زبانی دارند یا کشورهای شبه قاره که اردو زبان هستند و بیشتر کلمات مورداستفاده آنان از واژگان فارسی است و جمعیت فراوان آنها را نمی‌توان نادیده انگاشت و باید در قالب مدل ژئوکالچر مطرحه از این ظرفیت مهم بهره برد.

ایجاد و تاسیس انجمن‌های فارسی‌زبانان؛ مشتمل بر استادان، مدرسان، محققان، فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات فارسی جهت ترویج و گسترش زبان فارسی در کشورهای مختلف دنیا در قالب سمن‌ها (سازمان‌های مردم نهاد) می‌تواند در تقویت و استمرار قدرت نرم زبان فارسی موثر و نقش‌آفرین باشد.

ایجاد و تاسیس دفاتر و دبیرخانه‌های فرهنگی، علمی و آموزشی منطقه‌ای و حوزه‌های زبانی - فرهنگی در کشورها با محوریت سازمان و مراکز علمی جهت برنامه‌ریزی و گسترش زبان فارسی با رویکرد شناخت فرهنگ ملی و بومی کشورها می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی را به ارمغان آورد.

برگزاری اجلاس‌های سالانه ملی و دوسالانه منطقه‌ای و جهانی با حضور برنامه‌ریزان، استادان، مدرسان، محققان، مترجمان و دست‌اندرکاران زبان و ادبیات فارسی به منظور بررسی نقاط ضعف و قوت و تبادل نظر و... همچنین مطالب سطور پیشین همه می‌توانند از موثرین راهبردها برای آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی و استفاده از قدرت نرم القای فرهنگی آن در ذیل نظریه تحلیل گفتمان باشند که در نهایت ارتقای سطح دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی را در پی خواهد داشت.

منابع و ماخذ

- اتکینسون، د.، & رابوی، م. (۱۳۸۱). رادیو و تلویزیون در خدمت عموم، چالش های قرن بیست و یکم، ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: سروش.
- آلادپوش، ع.، & توتون چیان، ع. (۱۳۷۲). دیپلماسی و دیپلمات. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- بحرینی، ن. (۱۳۹۲). تحلیل ارزش های فرهنگی در کتاب های آموزش زبان انگلیسی. راهبرد فرهنگ، شماره ۲۲.
- خرازی محمودوندی آذر، ز. (۱۳۸۸). تاثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها. مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم شماره ۶.
- دهشیری، م.، & طاهری، م. (۱۳۹۵). دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی. نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴.
- ریاحی، م. (۱۳۴۹). نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی. مجله یغما، شماره ۲۶۰.
- سلیمی بنی، ص.، & شیخان، م. (۱۳۹۲). جایگاه دیپلماسی در سیاست خارجی کشورها. فصلنامه پژوهش در تاریخ، سال چهارم، شماره ۳.
- شاه منصور، ش. م. (۱۳۹۴). بزرگان ادب فارسی در کشورهای روسیزبان: زمینها و فرصت نفوذ فرهنگی. تهران: خبرگزاری ایراس قابل دسترس به نشانی irasnews.ir/prtd9j0f.yt05x6a22y/
- شهسواری فرد، ش. (۱۳۹۶). ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی؛ از ضرورت تا واقعیت. مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۲۵.
- صادقی، ک. (۱۳۹۵). «وضعیت گسترش زبان فارسی در جهان/ با توئیم و با تو نهیم؛ بوالعجب» خبرگزاری مهر، (۹۶/۰۷/۲۰)، قابل دسترس به نشانی <https://www.mehrnews.com/news/3714646>
- صالحی امیری، س.، & محمدی، س. (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی، چاپ دوم. تهران: نشر ققنوس.
- عزیزی، ح. (۱۳۹۳). قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی رویکردها، ابزارها و اهداف. نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸.
- عسگریان، ع.، شیراوند، ص.، & موسوی، م. (۱۳۹۳). نقش زبان در گفتمان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۱۹.
- فرکلان، ن. (۱۹۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. تهران: ترجمه فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام پور، رضا ذوقدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی،

محمدجواد غلامرضا کاشی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قربی، م. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط زبان ملی و قدرت نرم در سیاست خارجی بازیگران بینالمللی، (۹۹/۰۳/۰۴) سایت فصلنامه مطالعات سیاست خارجی، قابل دسترسی به نشانی <https://tfpsq.net/fa/post.php>.

کدکنی، م. ش. (۱۳۸۷). مقدمه غزلیات شمس تبریز. تهران: سخن، چاپ سوم. کزازی، م. ا. (۱۳۷۶). پرنیان پندار. تهران: نشر روزنه.

لاکلاو، ا.، موف، ش.، فرکلایف، ن.، فن دیک، ت.، وداک، ر.، لیوون، ت.، و... بر، و. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سیاسی: امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی، ترجمه ی رضایی پناه، امیر و سمیه شوکتی مقربی.

لطفی پور ساعدی، ک. (۱۳۷۲). درآمدی بر سخن کاوی. مجله زبان شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱.

مطلبی، م. (۱۳۹۳). فرهنگ و امپریالیسم فرهنگی در مطالعات پسا استعماری. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال دهم، شماره ۲۴.

میرعلیجانی، ط.، حسن زاده، ش.، & شوکتی، آ. (۱۳۹۴). حافظ در اندیشه و شعر شاعران اروپایی. فصلنامه بهارستان سخن، سال دوازدهم، شماره ۲۸.

ناطق، ه. (۱۳۷۵). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران. پاریس: انتشارات خاوران.

نای، ج. (۱۳۸۲). کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میر طاهر. تهران: نشر قومس.

نقیب زاده، ا. (۱۳۸۱). تاثیر فرهنگ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات وزارت خارجه.

واعظی، م. (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان ها و بازیگران). تهران: وزارت امور خارجه، چاپ اول.

Arberry, A. H. (1953). The legacy of Persia. Oxford: Clarendon Press.

Brown, H. (1994). principles of Language Learning and Teaching. Boston : Hall Regents.

Charbonnier, G. (1961). Entretiens avec Claude Levis- Strauss. Paris: Agora.

(2015). (Comprehensive Annual Report on Public Diplomacy and International Broadcasting .

Nye, J. (2004). soft power ; the means to success in world politics. New York. .

Рупка, J. (1968). History of Iranian Literature. Dordrecht: D. Reidel.

Tristam, P. (2010). «Thinking of Rumi, America"s Best-Selling Sufi», Poet <http://middleeast.about.com/b/2010/03/19/thinking-of-rumi-americas-best-selling-sufi-poet.htm> .

Т е р Минасова, С. (2000). языкц ц Межкултурная коммуникация. Учебное пособие. М.: лово. 262с

References

- Aladpoosh, Ali and Alireza Tootoonchian (1372). *Diplomacy and Diplomat*, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications (In Persian)
- Asgarian, Abbasgholi and Sarem Shiravand and Mir Hadi Mousavi (1393). "The Role of Language in the Diplomatic Discourse of the Islamic Republic of Iran," *The Quarterly of International Political Research*, No. 19. (In Persian)
- Arberry, A. H. (1953). *The legacy of Persia*. Oxford: Clarendon Press.
- Atkinson, David and Mark Rabavi (2002) *Radio and Television in the Service of the Public; The Challenges of the 21st Century*, translated by Morteza Saqebfar, Tehran, Soroush. (In Persian)
- Azizi, Hamidreza (1393). "China's Soft Power in the Central Asian Region; Approaches, Tools and Objectives", *Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, No. 88 (In Persian)
- Bahraini, Nasrin (1392). "Analysis of Cultural Values in English Language Textbooks", *Culture Strategy*, No. 22. (In Persian)
- Brown, H. (1994). *principles of Language Learning and Teaching*. Boston : Hall Regents.
- Charbonnier, G. (1961). *Entretiens avec Claude Levis- Strauss*. Paris: Agora
- (2015) .*(Comprehensive Annual Report on Public Diplomacy and International Broadcasting*.
- Daneshpazhouhi, Hadi (95). "How did language become the 'alphabet of influence' of the West in Islamic countries?" (12/03/95) *Mashreq News Agency*, available at <https://www.mashreghnews.ir/news/568527> (In Persian)
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal and Mehdi Zolfaghari (1393). "British Soft Power Analysis," *The Quarterly of Soft Power*, Fourth Year, No. 11. (In Persian)
- Dehshiri, Mohammad Reza and Mehdi Taheri (2015). "Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Central Asia", *Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, No. 94. (In Persian)
- Dehshiri, Mohammad Reza and Taheri Mehdi (2016) "The Role and Position of Higher Education in US Cultural Diplomacy with Emphasis on Its Performance in Iran" *Journal of Political Science*, Volume 12, Number 36. (In Persian)
- Fairclough, Norman (1379). *Critical Discourse Analysis*, translated by Fatemeh

- Shayesteh Piran, Shaban Ali Bahrapour, Reza Zoghdar Moghadam, Ramin Karimian, Pirooz Izadi, Mahmoud Neyestani, Mohammad Javad Gholamreza Kashi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing Organization. (In Persian)
- Kazazi, Mir Jalaluddin (1997), Parnian-e Pendar, Tehran: Rozaneh Publishing. (In Persian)
- Kharrazi Mohammadvandi Azar, Zahra (2009) "The Impact of Cultural Diplomacy on the National Interests of Countries", Journal of Cultural Management, Third Year No. 6. (In Persian)
- Laclau, Ernesto, Chantal Moff, Norman Fairclough, Theon Fendick, Ruth Waddock, Theo Phenolivon, Michelle Peshaw, David Howarth, Isabella Fairclough, and Vivien Barr (2015). Analysis of Political Discourse: Political Matter as a Discourse Structure, translated by Rezaei Panah, Amir and Somayeh Shokati Mogharrabi, Tehran: Tisa (In Persian)
- Lotfi Pour Saedi, Kazem (1372). "An Introduction to Speech Research", Journal of Linguistics, Volume 10, Number 1 (In Persian)
- Mir Alijani, Tayebeh and Shahriyar Hassanzadeh and Ayat Shokati (2015). "Hafez in the Thoughts and Poetry of European Poets", The Quarterly of Baharestan Sokhan, Volume 12, Number 28. (In Persian)
- Motalebi, Massoud (1393). "Culture and Cultural Imperialism in Postcolonial Studies", The Quarterly of Intercultural Studies, Tenth Year, No. 24. (In Persian)
- Naqibzadeh, Ahmad (1381). The Impact of Culture on the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Ministry of Foreign Affairs Publications. (In Persian)
- Nategh, Homa (1375). Foreign Cultural Record in Iran, Paris: Khavaran Publications. (In Persian)
- Nye, J. (2004). soft power ; the means to success in world politics. New York. .
- Nay, Joseph (2003). Application of Soft Power, translated by Seyed Reza Mir Taher, Tehran, Qomes Publishing (In Persian)
- Qorbi, Mohammad Javad (961396). "Investigating the Relationship between National Language and Soft Power in the Foreign Policy of International Actors," (04/03/99) The site of the Quarterly of Foreign Policy Studies, available at <https://tfpsq.net/en/post.php> (In Persian)
- Riahi, Mohammad Amin (1349). "The Influence of Persian Language and Literature

- in the Ottoman Empire", *Yaghma Magazine*, No. 260. (In Persian)
- Rypka, J. (1968). *History of Iranian Literature*. Dordrecht: D. Reidel.
- Sadeghi, Kamal (1395). "The Situation of Persian Language Development in the World/ With You and Not With You; Amazing!" *Mehr News Agency*, (20/07/96), available at <https://www.mehrnews.com/news/3714646/>
- Salehi Amiri, Seyed Reza and Saeed Mohammadi (2013). *Cultural Diplomacy*, Second Edition, Tehran: Phoenix Publishing. (In Persian)
- Salimi Bani, Sadegh and Mohammad Mojavar Sheikhan (2013). "The place of diplomacy in the foreign policy of countries," *The Quarterly of Research in History*, Fourth Year, No. 3. (In Persian)
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. (1387). *The Introduction to Shams Tabriz's Sonnets*, Tehran: Sokhan, third edition. (In Persian)
- Shah Mansour, Shah Mirza (1390). "The Greats of Persian Literature in Russian-Speaking Countries: Backgrounds and Opportunities for Cultural Influence", (10/04/94), *IRAS News Agency*, available at <http://irasnews.ir/prtd9j0f.yt05x6a22y.html> (In Persian)
- Shahsavari Fard, Shohreh (1396). "Literature and Language in Cultural Diplomacy; From Necessity to Reality ", *International Journal of the Research of Nations*, Volume 3, Number 25 (In Persian)
- Soft War of the East (1395). "US Planning for the Expansion of the English Language in the World+ Documents," (12/07/1396) *Mashreq News Agency*, available at <https://www.mashreqhnews.ir/news/573236> (In Persian)
- Tal, Karim (2009). "Persian language and literature in the Western world", (11/14/97) *Washington Center for Islamic Education* available at http://iec-md.org/farhangi/farsi_gharb_taal.html (In Persian)
- Tristam, P. (2010). «Thinking of Rumi, America's Best-Selling Sufi», *Poet* <http://middleeast.about.com/b/2010/03/19/thinking-of-rumi-americas-best-selling-sufi-poet.htm> .
- Ter-Minasova, S.G. (2000) *Language and Intercultural Communication*. SLOVO, Moscow
- Тер Минасова, С. (2000). *Язык и Межкультурная коммуникация*. Учебное пособие. М.: Слово. 262с
- Vaezi, Mahmoud (1386). *The Geopolitics of Crisis in Central Asia and the Caucasus (Foundations and Actors)*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, First Edition. (In Persian)